

**عنوان:****مدیریت و نقش امام رضا (ع) در تحکیم ولایت مداری ایرانیان****نویسنده: علی احمدی<sup>۱</sup>****چکیده:**

پژوهش حاضر تحت عنوان « مدیریت و نقش امام رضا (ع) در تحکیم ولایت مداری ایرانیان » به بررسی نقش حضرت ثامن الحجج (ع) در امر ولایت مداری می پردازد. چرا که آشنایی با سیره بزرگان به منظور الگو گیری از مشی آن فرزندانگان، چراغ راهی است برای رهروان مسیر هدایت. یکی از بخش های حیات پر برکت امام هشتم (ع) چگونگی مدیریت آن حضرت بر فضای نامناسب حکومت آن زمان که عمدتاً به زمان مأمون عباسی منتهی گردیده، میباشد. با توجه به اینکه امام رضا (ع) در پذیرش ولیعهدی مخیر نبوده و نمی توانست این مقام را وسیله رسیدن به اهداف مقدس خویش قرار دهد لذا بایستی برنامه ای برای خنثی سازی توطئه های مأمون در پیش گیرد.

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش امام رضا (ع) در امر ولایتعهدی می باشد. در این مقاله ابتدا پیرامون مدیریت توضیحاتی داده خواهد شد و پس از آن به بررسی دلایل پیشنهاد مأمون به ولایتعهدی امام رضا (ع) و دلایل پذیرش ولایتعهدی توسط آن حضرت (ع) به صورت اجمال اشاره خواهد شد و سپس به مبارزات منفی آن حضرت پرداخته می شود. این مقاله به روش توصیفی<sup>۱</sup> تحلیلی به دنبال پاسخگویی به این سوال است که هدف مأمون از طرح ولایتعهدی چه بوده است و امام رضا (ع) چه موضع و نقشی را در مقابل این پیشنهاد اتخاذ کرده است؟ و به این نتیجه رسیده است که یکی از بخش های مهم زندگی امام هشتم (ع) مدیریت آن حضرت بر جامعه زمان خود میباشد، چرا که هدف اصلی آنان برپایی حکومت اسلامی برای تحقق مبانی اسلام به منظور بهره مندی عدالت محورانه همه آحاد جامعه از زندگی معنوی و مادی در سایر احکام نورانی اسلام میباشد.

**کلید واژه: امام رضا (ع)، ولایت مداری، مدیریت امام.****مقدمه:**

امامان شیعه در شرایط مختلف سیاسی و اجتماعی به گونه های متفاوت انجام وظیفه می کردند. در مجموع در زندگی امامان شیعه (ع) یک حرکت مستمر و طولانی دیده می شود که در نهایت به حفظ فرهنگ تشیع منجر خواهد شد. در بینش امام رضا (ع)، امام شایسته و توانمند، تنها عهده دار بیان احکام و تبیین حلال و حرام مردم نیست، بلکه امامت دینی هرگاه به حق باشد بر جریان سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی نیز نظارت و رهبری دارد. از نگاه اهل بیت (ع) دین در صورتی کامل به شمار می آید که برای رهبری اجتماعی، تدبیری اندیشیده باشد و مردم را در تعیین رهبری دینی و سیاسی، سرخود و سرگردان رها نساخته باشد.

---

۱. دانشجوی دکتری علوم اجتماعی

پس از شهادت امام موسی کاظم (ع) اگر چه برای امام رضا (ع) موقعیت مبارزه ی علنی و رسمی پیش نیامده اما برای مدتی اختناق و خودکامگی به طور نسبی از میان رفت و فشار حکومت علیه امام (ع) کاستی یافت. امام (ع) نیز شیوه ی مبارزه ی پدر بزرگوارش را در پیش گرفت و به ایفای صحیح رسالت امامت، پرداخت. دستگاه خلافت هارونی نیز چون موجودیت عباسیان را در خطر می دید، شیوه ی گذشته خود را تغییر داد و روش سختی را که نسبت به امام موسی کاظم (ع) اتخاذ کرده بود به صلاح حکومتش نمی دید.

این دوران از مهمترین دوران های تاریخ اسلام است. مأمون خود را معتقد به علویان نشان می داد اما گرایش مذهبی مأمون درست مانند گرایش سیاسی او بود. او همان گونه که در سیاست می خواست احزاب مختلف سیاسی حتی علویان و عباسیان را گرد خود جمع کند، در گرایش مذهبی نیز حد وسطی را برگزید. اما امام (ع) نیز با حرکت خود در رسوا کردن چهره ی مأمون بسیار موثر بود. امام (ع) با پذیرفتن ولایتعهدی، مصالح عامه مسلمانان را در نظر گرفت و از هر فرصتی برای بیان این حقیقت و نمایاندن ناخشنودی خود بهره می جست.

در زمینه ی تاریخ زندگی امامان و از جمله امام رضا (ع) پژوهش های مختلفی صورت گرفته و کتب بی شماری نوشته شده که از جمله می توان به تاریخ طبری، عیون اخبار الرضا، اصول کافی که در این مقاله تمامی کتب های قدیمی مورد استفاده قرار گرفته است، نام برد. در مورد سازماندهی پژوهش حاضر می توان ذکر کرد که این مقاله در چندین بخش تنظیم شده است. ابتدا تعریفی از مدیریت و مدیریت اسلام بیان می گردد و دیدگاه امام رضا (ع) در این زمینه بیان می گردد. در مبحث دوم به بررسی امامت پیشوای هشتم (ع) پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر (ع) می پردازد. در مبحث سوم نیز به بررسی امامت امام هشتم (ع) در میان خلفای عباسیان که شامل هارون، امین و مأمون میباشد می پردازد. مبحث چهارم نیز به هدفی که مأمون از پیشنهاد طرح ولایتعهدی به امام رضا (ع) داشته پرداخته خواهد شد. و مباحث آخر آن به پیشنهاد ولایتعهدی و روشی که امام رضا (ع) در برابر این پیشنهاد اتخاذ کرده است می پردازد که در ذیل به تمام مباحث ذکر شده پرداخته خواهد شد.

### مدیریت از دیدگاه امام رضا (ع)

مطالعه در تاریخ زندگی بشر و روابط اجتماعی، ضرورت این اصل را به اثبات می رساند که اصل مدیریت لازمه هر جامعه می باشد. بحث درباره مدیریت از دیرباز مورد توجه بوده است. زیرا از روزی که بشر پا به عرصه ی خاک نهاد و با خانواده، قوم و قبیله زندگی اجتماعی را آغاز نموده، اندیشه مدیریت همان مجموعه کوچک را در ذهن خود پروراند. مدیریت منحصر به اداره زندگی مادی نیست، بلکه در امور مذهبی و معنوی هم ضرورت دارد؛ خداوند سبحان مدیرانی چون انبیاء را برای هدایت مردم فرستاد. امام رضا (ع) در مورد مدیریت می فرماید: « ندیدم گروهی از مردم و ملتی از ملت ها، زندگی با دوام داشته باشند مگر اینکه سرپرست و قیم داشته اند؛ زیرا در امر دین و دنیا، چاره ای جزء وجود سرپرست و پیشوا نیست». برخی مدیریت را علم و هنر هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت های دسته جمعی، برای نیل به هدف های مطلوب با حداکثر کارایی دانسته اند.

در مورد مدیریت اسلامی نیز می توان گفت که مدیریتی که زمینه رشد انسان به سوی الله را فراهم نماید و مطابق کتب، سنت و سیره و روش پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) و علوم و فنون و تجارب بشری برای رسیدن به اهداف یک نظام در ابعاد مختلف، همانند یک محور و مدار دو قطب عمل کند را مدیریت اسلامی می گویند. امام رضا (ع) در این باره می فرماید: « رأی مسلمین، همانند ستون وسط خیمه است که اولاً تمام بار سقف بر روی آن استوار است و ثانیاً مانند نقطه ی مرکزی دایره شعاعش نسبت به همه جوانب یکسان است به طوری که هر کس در هر زمان و از هر طرف که اراده کند به آن دسترسی دارد».

### امام (ع) پس از شهادت پدر در دوران خلفاء

دوران امامت پیشوای هشتم از نظر سیاسی و فرهنگی از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بود. روند تحولات سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی به گونه ای بود که افکار عمومی را بیش از پیش متوجه مکتب اهل بیت می کرد. از نظر شرایط سیاسی، هارون خلیفه ی مقتدر عباسی می پنداشت پس از به شهادت رساندن موسی بن جعفر (ع) اوضاع سیاسی بر وفق مراد او پیش خواهد رفت ولی برخلاف پندار وی، کشور اسلامی در سال های آخر زمامداری هارون دستخوش ناآرامی ها و شورش ها گردید و از هر جامعه ای مخالفت و اعتراض برخاست و همه جا از گسترش جو ناامنی و بی ثباتی سیاسی در جامعه و آبدستن آن برای تحولات جدید خبر می داد.

موضوع امامت در کنار بحث توحید و عدل از مباحث جنجال برانگیز محافل علمی آن عصر بود. محدودیت هایی که عباسیان برای شیعیان و نیز پیشوایان آنان ایجاد کرده بودند دسترسی ایشان را به امامان برای فراگیری اعتقاداتی با مشکلاتی مواجه کرده بود. امام رضا (ع) با ۳ تن از حاکمان عباسی روبرو و معاصر بود: هارون الرشید، امین و مأمون. وقتی در تاریخ زندگی امام (ع) در طول ۱۵ سال مطالعه می کنیم متوجه می شویم که امام (ع) در این مدت در ظاهر هیچ گونه موضع گیری در مقابل حکومت نداشت و حکومت نیز با آن حضرت برخورد فیزیکی نکرد. امام (ع) در طول ۱۵ سال امامت خود در عصر هارون الرشید و امین سیاست ویژه ای را مناسب با اوضاع سیاسی حاکم بر آن زمان انتخاب کرده و مبارزه با حاکمیت هارون الرشید و امین را به شیوه ای دیگر و پایدار دنبال می نمود.

### هارون الرشید

او معروف ترین حاکم عباسی است و نامش گسترش دارد. شهرت او زیاد در شرق و غرب معروف بود. از عناصر شخصی هارون بد بینی نسبت به اشخاص برجسته بود که در بین جامعه نفوذی داشتند و مردم از آنها منتفع می شدند. برای مثال او به مولای مسلمانان موسی بن جعفر (ع) بدبین شد و دستور داد او را در زندان تاریکی حبس نمودند و سپس با سم مسمومش کردند و این به دلیل آن بود که امام (ع) منزلت بزرگی در نفوس مسلمین داشت. حضرت شمس الشموس ۱۰ سال آغاز امامت خود را در حکومت هارون سپری کرد و با توجه به شرایط سیاسی، فرهنگی، دعوت خود را آشکار ساخت و در محوریت سیاسی و فرهنگی به مبارزه علنی و اصولی برخاست. این مدت در آن عصر اختناق و استبداد و خودکامگی هارون، دوران آزادی نسبی و فعالیت فرهنگی و علمی امام رضا (ع) به شمار می رود. زیرا هارون در این مدت معترض امام (ع) نمی شد و حضرت (ع) آزادانه فعالیت می نمود. امام (ع) با استفاده از این فرصت در زمان هارون الرشید، علناً اظهار امامت می کرد و در این مورد برخلاف پدران بزرگوارش تقیه نداشت.

فعالیت های سیاسی امام (ع) در آغاز امامت به قدری معترضان بود که از یکسو، یاران حضرت بر جان او بیمناک شده و از آن حضرت خواستند راه تقیه را در پیش گیرد. از سوی دیگر درباریان و مزدوران هارون الرشید از تلاش های سیاسی آشکار امام (ع) احساس خطر کرده و بارها از او نزد خلیفه شکایت نمودند. علت پافشاری امام (ع) بر این سیاست این بود که امامت شیعی در آن شرایط حساس از هر سو مورد تهدید قرار گرفته بود و چنانچه امام (ع) به تثبیت و تحکیم پایه های آن نمی پرداخت چه بسا دشمنان ضربه های جبران ناپذیری بر مکتب اهل بیت وارد ساختند. در دوران حکومت هارون به این نتیجه می رسیدیم که دو عامل اساسی (یعنی محبت و مودت شدید مردم به امام و تزلزل سیاسی در حکومت هارون) باعث شده بود که هارون الرشید از فکر کشتن امام (ع) بیرون بیاید.

## امین

محمد امین عهده دار رهبری مسلمانان پس از مرگ پدرش شد و طبق رأی قاطع مورخان او صلاحیت چنین پست بالایی را نداشت زیرا امین بعد از پذیرفتن خلافت خود را وقف سرگرمی و خوشی کرد. او امور مملکت را به فضل بن ربیع سپرد که آن را طبق امیال خودش اداره می کرد او به طور جدی در جستجوی بازیگران بود همان گونه که خود را مشغول به پسران کم سن و سال و رقص زنان کرده بود. از صفات دیگر امین بغض وی به علم و کراهتش نسبت به علما بود. به او مملکتی داده شده بود در حالی که او از هیچ چیز به درستی سر در نمی آورد.

مسعودی در توصیف او می گوید: « رفتارش زشت و عقلش سخیف بود، پیرو هوی و هوس بود و کارها را مهمل می گذاشت در کارهای خطیر به دیگری اعتماد می کرد و کسانی مورد وثوق او بودند که با او صمیمی نبودند». دوران ۵ ساله حکومت امین از بیان اقدامات و موضع گیری های وی نسبت به امام رضا (ع) و همچنین تلاش های آن حضرت (ع) و یا واکنش های وی ساکت است. امام (ع) نیز از فرصت پیش آمده بیشترین بهره را برد و به نشر و گسترش اسلام در سطح جامعه و تحکیم پایگاه های مردمی پرداخت.

## مأمون

مأمون داناترین و زیرک ترین خلیفه عباسی بود. وی از همان آغاز نوجوانی خود را برای احراز مقام خلافت اثبات کرد. اما آن چیزی که در این برهه زمانی از اهمیت برخوردار بود تیرگی روابط بین امین و مأمون بود زیرا ملتزمینی که اطراف آنها بودند در به وجود آوردن چنین بحرانی نقش اساسی بازی می کردند. آنها نامه هایی را مبادله می کردند که پر از توهین و نفرین بود و در آنها هیچ دعوتی به صلح و آشتی نبود. از اینرو امین، برادرش مأمون را رسماً از ولایتعهدی خلع کرد و پسرش موسی را که طفلی شیرخواره بود ولیعهد کرد و او را ناطق بالحق نامید و کسی را به مکه فرستاد تا سندی که هارون در آن امین را خلیفه و بعد از آن مأمون را ولیعهد کرد و آن را در خانه کعبه آویخته بود بیاورد. وقتی سند را آوردند آن را پاره نمود و به آن عمل نکرد. اما مأمون در عمل شایستگی خود را برای احراز مقام خلافت اثبات کرده بود. ولی پس از عهده دار شدن مقام خلافت، این سیاست را در پی گرفت و به فضل بن سهل دستور داد تا درباره زهد و تقوا و دیانت خلیفه مطالبی نشر دهد و در میان مردم تبلیغ کند.

از صفات و تمایلات شخصی مأمون می توان به خیانت وی اشاره کرد. با امام رضا (ع) به ولایتعهدی بیعت نمود و بعد از آن که به اهداف سیاسی خود رسید به آن حضرت خیانت کرد. اما آنچه در زمان خلافت مأمون منجر به متزلزل شدن پایه های حکومت مأمون شد پیدایش و گسترش انقلاب ها و شورش ها علیه دستگاه خلافت عباسی بود. مأمون پس از رویارویی با اوضاع وخیم حکومت و احساس نگرانی شدید از آینده خویش در پی اندیشه فراوان و مشورت با سیاستمداران به راه حل و تجربه ی تازه ای دست زد؛ تجربه ای که در تشکیلات خلافت سابقه نداشت. او تصمیم گرفت پیشوای شیعیان را از مدینه به مرو فراخواند و او را به ولیعهدی خویش برگزید این اقدام مأمون هر چند واکنش گروه هایی را به دنبال داشت لیکن به نظر خود او، مناسب ترین طرحی بود که در آن شرایط می توانست حکومت را از خطر سقوط حفظ و آینده اش را تضمین کند. لذا در مبحث بعدی به این امر می پردازیم که مأمون از پیشنهاد طرح ولایتعهدی به امام رضا (ع) چه هدفی را دنبال می کرد.

## هدف مأمون از طرح ولایتعهدی

درباره ی هدف مأمون از طرح مسأله ولایتعهدی به امام رضا (ع) نظرات و احتمالاتی چند ذکر شده است که به مهم ترین این نظرات اشاره خواهیم کرد.

۱ ° مأمون جایگاهی در دولت اسلامی نداشت و قبیله عباسی او را به خاطر مادرش که کنیز قصر بود تحقیر می کردند، اضافه بر آن، ارتباط قوی او با فضل بن سهل و واگذاری تمام کارهایش به او و همچنین برادرش امین از او متنفر بود و قصد داشت که به او زیان برساند. مأمون خواست موقعیت خود را تقویت کند و نفوذ خویش را بالا ببرد و بر حسودان خود چیره شود، پس اقدام به بستن قرارداد با بزرگترین شخصیت عالم اسلام کرد و او را به عنوان جانشین بعد از خود در دولت اسلامی تعیین نمود.

- ۲ ° بیشتر سپاه مأمون، از لشکریان و افسران آن راه شیعیان و معتقدین به ولایت و امامت امام رضا (ع) تشکیل می دادند و او به این وسیله خواست درستی و اخلاص آنها را نسبت به خود جذب کند.
- ۳ ° با انتخاب امام رضا (ع) به عنوان ولیعهد، مأمون توانست به حکومتش جنبه مذهبی بدهد تا دلالت کند بر اینکه او مانند پدرانش ستمکار نیست و شورش بر ضد او غیر مشروع است و بر مسلمانان واجب است با آنها بی که بر ضد او شورش می کنند بچنگد.
- ۴ ° از جمله اهدافی که مأمون از طریق این بیعت برای امام (ع) بر آن رسید این بود که توانست عوامل اصلی شیعه را شناسایی کند و از هویت آنها آگاه شود. قابل ذکر است که جای شیعیان بسیار مخفی و پنهان بود و بعد از بیعت با امام (ع)، امرشان ظاهر شد و اولیای امور توانستند آنها را پیدا کنند.
- ۵ ° مأمون که از نبوغ سیاسی ویژه ای برخوردار بود با ظرافت خاصی کوشید تا وانمود کند در این تصمیم خود خلوص نیت دارد و از سر حق باوری نسبت به علویان و اعتقاد و علاقه وافر می که به امام رضا (ع) دارد دست به این کار زده است. وی از یکسو از بدگویی و نکوهش صحابه معاویه خودداری می کرد و معتقد بود این سیاست برای ملکداری بهتر است و از سوی دیگر نسبت به خاندان پیامبر اظهار ارادت می کرد و حضرت علی (ع) را برترین آفریده خدا پس از رسول خدا می دانست و دستور داد از کسی که از معاویه به نیکی یاد کند بیزاری جویند. اما آنچه می توان درباره ی این موضع گیری متناقض مأمون گفت این است که وی در سیاست ها و مواضع سیاسی از مبادی اعتقادی خویش پیروی نمی کرد بلکه اعتقادات خود را متناسب با شرایط سیاسی، ابراز و هماهنگ می ساخت.
- ۶ ° بعضی از محدثان شیعه مانند شیخ صدوق، و برخی از مورخان اهل سنت مانند ابوالفرج اصفهانی این اقدام مأمون را ناشی از نذر وی می دانند که اگر بر برادرش پیروز شود خلافت را به اهلش واگذار کند.
- ۷ ° فرو نشاندن قیام های علویان که همواره خلفا را آزار می داد. مأمون برای مهار کردن جنبش بالنده علویان و خلع سلاح ایشان دست به این اقدام زد.
- ۸ ° بدون شک هدف اساسی مأمون از طرح مسأله ولایتعهدی، شخص امام رضا (ع) و خالی کردن صحنه ی سیاسی کشور از وجود آن حضرت بود. علاوه بر اینکه با این کار فعالیت های حضرت را زیر نظر می گرفت، او را از زندگی اجتماعی و پایگاههای مردمی دور می ساخت و رابطه اش را با امت می گسست.
- ۹ ° حکومت عباسیان چون حکومت امویان از نظر مسلمانان فاقد مشروعیت بود. مأمون کوشید وجهه منفی و منفور خلافت را تغییر دهد و مناسب ترین راه برای تحقق این هدف، جذب فرزند پیامبر و پیشوای شیعیان به دربار خود و واگذاری سمت ولایتعهدی به وی بود.
- ۱۰ ° مأمون دختر خود (ام حبیبه) را به زنی به علی بن موسی الرضا (ع) داده بود. و افزون بر این افراد دیگری را نیز مراقب ایشان قرار داد تا تمام حرکات و اعمال امام (ع) را به مأمون گزارش دهد و از جمله این مراقبان هشام بن ابراهیم راشدین که از نزدیکان حضرت نیز به شمار می آید.
- ۱۱ ° گرفتن اعتراف از علویان مبنی بر اینکه حکومت عباسیان حکومتی مشروع است.
- ۱۲ ° کسب اعتماد و دوستی اعراب به خویش.
- ۱۳ ° راضی نگه داشته عباسیان و هواخواهان آنها.
- ۱۴ ° ایجاد مصونیت برای خود، در برابر نفوذ و محبوبیت امام (ع) در بین مردم. مأمون از شخصیت با نفوذ امام رضا (ع) بسیار بیم داشت و می خواست خود را برای همیشه از این خطر در امان بدارد.

### پیشنهاد ولایتعهدی به امام رضا (ع)

انگیزه های یاد شده مأمون را برآن داشت تا بدون درنگ تصمیم خود را عملی سازد. از اینرو مأمون برای بردن امام (ع) از یثرب به خراسان یک گروه رسمی فرستاد اما شخصی که در رأس این گروه بود بیشتر مورخین بر این عقیده اند که رجاء بن ابی ضحاک بوده است. امام رضا (ع) که تا آن زمان به تمامی دعوتنامه های مأمون پاسخ رد داده بود با آمدن پیک مخصوص خلیفه و اصرار وی بر حرکت آن گرامی به سوی مرو، چاره ای جزء حرکت نیافت و در سال دویست هجری قمری رهسپار مرو شد. امام در طول سفر موفق شد با قشرهای مختلف مردم به ویژه شیعیان تماس بگیرد و با سخنان و بیان حدیث و نیز ارائه کرامات به تحکیم و تثبیت مبانی اعتقادی امت به خصوص در مسئله امامت همت گمارد و حقایق را برای مردم آشکار سازد.

پس از گذشت چند روز از ورود امام (ع) به مرو گفتگوهای مأمون با آن حضرت (ع) آغاز گشت. در این مدت امام (ع) از پذیرش خواست مأمون سر باز می زد. مأمون نخست خلافت را به حضرت (ع) پیشنهاد داد امام (ع) نپذیرفت. مأمون پیشنهاد اصلی خود یعنی ولایتعهدی را مطرح کرد و امام (ع) را تهدید به قتل نمود. امام (ع) وقتی دید مأمون در این خواسته خود جدی است با کراهت پذیرفت. پذیرش ولایتعهدی پس از تهدید مأمون با شرایطی که امام (ع) داشت به مصلحت اسلام بود و گرنه آن حضرت (ع) نمی پذیرفت، هر چند خونش ریخته می شد.

### سیاست امام در برابر طرح مأمون

امام (ع) پس از رویارو شدن با این پیشنهاد مأمون سیاستی را اتخاذ کرده بود که در ذیل بدان خواهیم پرداخت.

### ابراز ناخشنودی از پیشنهاد مأمون

امام (ع) پس از رویارو شدن با دعوت مأمون، با گفتار و کردار مراتب ناخشنودی خویش را از این دعوت به گوش همگان رسانید و این سفر را یک سفر اجباری که به شهادت او منتهی می شود قلمداد کرد. امام (ع) در این موضع علاوه بر توجه دادن همگان به توطئه جدید مأمون، همه کسانی را که ممکن بود نسبت به آن حضرت به خاطر پذیرش دعوت خلیفه، بدبین شوند به ماهیت این اقدام و اهداف شومی که فراسوی آن بود آگاه و دلشان را از کینه مأمون لبریز ساخت.

### همراه نبردن هیچ یک از بستگان

امام (ع) به تنهایی راهی مرو شد و هیچ یک از بستگان، حتی پسر خود را همراه نبرد و بدین ترتیب به مأمون گوشزد کرد که وی نه تنها به آینده کار خوش بین نیست بلکه این سفر را خطرناک می داند.

### مقاومت در برابر خواسته مأمون

امام رضا (ع) پس از ورود به مرو بیش از ۲ ماه در برابر خواسته مأمون مقاومت کرد و تا زمانی که به طور صریح از سوی او تهدید به قتل نشد ولایتعهدی را نپذیرفت. پس از پذیرش نیز با استفاده از هر فرصتی اجباری بودن و نافرجامی آن را به همگان گوشزد کرد. به عنوان نمونه در پایان مراسم جشن ولایتعهدی به یکی از یاران خود، که شادمانی می کرد، فرمود: « دلت را به این موضوع مشغول نساز و بدان شاد مباش. زیرا این کار پا نمی گیرد». و نیز در پاسخ فرد معترضی که گفته بود: چرا به این کار تن داده ای؟ فرمود: من بر این کار مجبور شدم.

مأمون رسماً خلافت را به امام (ع) عرضه کرد و از حضرت (ع) درخواست کرد که آن را بر عهده بگیرد و گفت: ای فرزند رسول خدا! من فضل تو را شناختم و علم و زهد و عبادت تو را درک کردم و می بینم که تو شایسته تری به خلافت تا من. مأمون با این انتخاب، هوش فراوانی از خود نشان داده است و با این کار گروه زیادی را که هسته ی اصلی مخالفت با حکومت بودند، به اطاعت و

فرمان خود درآورده است. در نهایت پس از اصرار و اجبارهای مأمون، امام (ع) ناچار به پذیرش مقام ولایتعهدی شد و در ماه رمضان سال ۲۰۱ هجری قمری مجلس، جشن با شکوهی برگزار کرد و امام (ع) را به طور رسمی به ولایتعهدی برگزید. مأمون برای نشان دادن صداقت خود در این کار، دست به اقدامات زیر زد:

- ۱ ° لباس سیاه که شعار عباسیان بود از میان برداشت و پوشیدن لباس سبز را که شعار علویان بود را سنت کرد.
- ۲ ° دختر خود ام حبیبه را به امام رضا(ع) تزویج کرد.

### شرایط امام(ع) برای پذیرش منصب ولایتعهدی

شروط امام (ع) بسیار حکیمانه و مدبرانه انتخاب شده بود تا جایی که شکست طرح ولایتعهدی، ارتباطی مستقیم با آنها داشت. امام(ع) با گذاشتن مشروط بر پاره ای از هدف های مأمون خط بطلان کشید و اتخاذ چنین موضع منفی دلیل گویایی بود بر اینکه:

- ۱ ° اعتراف نکردن به قانونی بودن حکومت مأمون.
- ۲ ° تشکیلات مأمون هرگز نظر امام (ع) را به عنوان یک نظام حکومتی تأمین نکرد.
- ۳ ° هیچ رسمی را نقض نکند.
- ۴ ° عدم شرکت امام (ع) در تصمیم گیری های قدرت حاکمانه.
- ۵ ° در امور دولتی، مشاوره از دور باشد.
- ۶ ° احدی را به عنوان والی در کار دولتی منصوب نکند.
- ۷ ° ثابت شدن زهد و پارسایی امام (ع) برای مردم، مردمی که امام (ع) را به خاطر پذیرفتن ولایتعهدی به دنیا دوستی متهم می کردند. امام (ع) نمی خواست مسئولیت حفظ وضع موجود و کارهایی را که از طرف حکومت اعمال می شد، به عهده بگیرد و کسانی گمان کنند که حضرت (ع) نظارت و یا دخالتی در امور دارد.
- اباصلت هروی می گوید: به خدا سوگند امام (ع) از روی رغبت و اختیار وارد این امر نشد بلکه آن حضرت (ع) را برخلاف میل و به اجبار به سوی مرو حرکت دادند.
- مأمون می خواست پایه های حکومت و خلافت عباسیان را استوار کند و امام (ع) توانست با پیروی از برنامه خردمندانه و رفتار جالب و نمونه ی خویش، راه هر گونه فرصت طلبی را بر مأمون ببندد و او را چنان با یأس و سرافکنندگی روبرو سازد که دست به قتل امام (ع) بزند.

### دلایل پذیرش ولایتعهدی از سوی امام رضا (ع)

با توجه به این که امام رضا (ع) به هیچ عنوان راضی به پذیرش ولایتعهدی نبود از اینرو باید دید چه عوامل موجب شد که امام (ع) تن به این امر بدهد.

### ۱ - حفظ جان خود و شیعیان

امام (ع) با دید عمیق امامت و ولایت دریافت که اگر از ولایتعهدی مأمون امتناع ورزد نه تنها جان خویش را به رایگان از دست می دهد، بلکه علویان و دوستان حضرت (ع) نیز همگی در معرض خطر واقع می شوند. بر امام (ع) لازم بود که جان خود و شیعیان و هواخواهان را از گزند ها برهاند زیرا امت اسلامی به وجود آنان و آگاهی بخشیدنشان نیاز بسیار داشت.



## ۲- اعتراف عباسیان به سهیم بودن علویان در حکومت

علاوه بر این نیل به مقام ولایتعهدی، اعتراف ضمنی از سوی عباسیان به شمار می رفت. دایر بر این مطلب که علویان نیز در حکومت سهم شایسته ای دارند و این خود در ضمن، باعث حفظ جان شیعیان می شد.

## ۳- حضور خاندان پیامبر در صحنه سیاست

دیگر از دلایل پذیرش ولایتعهدی از سوی امام آن بود که مردم، خاندان پیامبر را در صحنه سیاست حاضر ببینند و به دست فراموشی نسپارند و نیز گمان نکنند که آنان فقط علما و فقهای هستند که در عمل هرگز به کارمندی نمی آیند.

اما نتایجی که از مقام ولایتعهدی امام (ع) بر می آید به شرح زیر است:

- ۱- کاهش فشار بر علویان و دوستداران امام.
- ۲- معرفی حقایق و ارزش های دینی در جریان پذیرفتن ولایتعهدی
- ۳- برملاء ساختن چهره منافقانه و ظالمانه مأمون
- ۴- تلاش های وسیع حضرت در جریان مناظره با ادیان مختلف در بیان داشتن توحید و معرفی آن
- ۵- محبوب شدن امام (ع) در بین روسای مذاهب و مردم
- ۶- وارد شدن امام (ع) به صحنه سیاست پس از سالها دوری امامان و اهل بیت از حکومت
- ۷- اعلام عدم مشروعیت دستگاه خلافت مأمون از سوی امام (ع)، با اینکه حضرت (ع) در منصب ولایتعهدی قرار داشت.

## شهادت امام رضا (ع)

درباره چگونگی مرگ حضرت (ع) بیشتر مورخان معتقدند که مأمون به ایشان زهر خورانیده. ابوالفرج در این باره می نویسد: حضرت رضا (ع) انگور را دوست می داشت؛ برای مسموم ساختن ایشان انگوری را گرفتند و در بیخ دانه های آن سوزن های زهر آلود زدند و چند روز آن سوزنها به همان حال بود. آنگاه آن را بیرون آوردند و انگورها را به نزد ایشان بردند و آن حضرت از همان انگورها خورد و سبب قتل وی گردید و گفته اند این نوع زهر خوراندن ماهرانه ترین نوع آن است. شایان ذکر است که امام (ع) درباره ی شهادتشان پیشگویی نیز کرده بودند. درجایی آمده: «... و اعجابا از این امر که من و هارون مانند ایندوایم و انگشتان خود را به یکدیگر چسبانید، کنایه از این اینکه مرا در کنار هارون به خاک می سپارند. امام (ع) همچنین فرمود: به خدا سوگند! هیچ کس از ما جزء شهید و کشته شده نیست. گفته شد ای پسر رسول خدا! چه کسی تو را می کشد؟ فرمود: بدترین خلق خدا در روزگار من مرا به زهر خواهد کشت و سپس در خانه ای تنگ و در سرزمین غریب مرا به خاک می سپارد.

هنگامی که حضرت رضا (ع) از دنیا رفت، مأمون مرگ او را پنهان کرد و یک شبانه روز جنازه را گذارد، سپس کسی را به نزد محمد بن جعفر، عموی آن حضرت که در خراسان بود، فرستاد و او را با گروهی از فرزندان ابوطالب حاضر کرد و سپس خبر مرگ آن حضرت را به اطلاع آنان رساند و جنازه را که به ظاهر صحیح و سالم بود بدانها نشان داد. آن گاه مأمون گریست و بدن مطهر آن حضرت (ع) را مخاطب قرار داده و گفت: «ای برادر، به راستی بر من ناگوار است که تو را بر این حالت ببینیم. من آرزومند بودم که خودم پیش از تو از این جهان بروم، ولی خدا نخواست». مأمون پس از این سخنان اندوه و بی تابی زیادی از خود نشان داد. آنگاه به دنبال جنازه آن حضرت (ع) حرکت کرد و آن را تا جایی که اکنون حضرت در آنجا مدفون است، بر دوش کشید و سپس جنازه را آورد و در آنجا، در کنار قبر هارون به خاک سپرد.



## نتیجه گیری

۱ ° نصب چند ولایتعهد توسط هارون به جانشینی خود سبب شد تا پس از مرگ وی بین امین و مأمون اختلاف ایجاد شده، موجبات کشمکش و درگیری بین دو برادر فراهم شود و در نهایت مأمون با همت طاهر و سپاه خراسان موفق به کشتن امین گردد. این مسئله در حقیقت ضربات جبران ناپذیری بر دستگاه خلافت وارد کرد و زمینه را برای درگیری های گوناگون و آشوبهای قومی و قتل عامهای زیاد و در نهایت ضعف خلافت را فراهم کرد. جریان چند ولایتعهدی در دوره بنی امیه و بنی عباس سبب تشدید خصومتها، جدایی و جبهه گیری آنان و دست اندر کاران آنها، به ویژه پس از مرگ خلفا، گردید.

۲ ° عباسیان در تحقق آرمانهای اسلامی نه تنها کوششی نکردند، بلکه از اسلام اصیل بسیار فاصله گرفتند. مسلمانان به خصوص ایرانیان از همان آغاز خلافت عباسیان دریافتند که جانبازی و فداکاری که به خاطر اهداف مقدس اسلام انجام داده اند، بی ثمر بوده و بنی عباس درصدد خیانت به آنها بر آمده اند. علویان نیز که پی به اهداف شوم عباسیان برده بودند، هیچگاه با آنها سازش نداشتند و دامنه شورش های خود را افزودند. چنانکه از دوران منصور تا اوایل خلافت مأمون تعداد زیادی از علویان دست به قیام زدند و این قیام ها منجر به تضعیف قدرت خلافت گردید و آنها را وادار به مقابله کرد. عباسیان می خواستند ریشه علویان را براندازند و محیط را برای خود چنان مساعد کنند، که دیگر کسی قدرتش را تهدید نکند. انحصار طلبی در قدرت به آنان اجازه نمی داد که کسی را شایسته تر از خود ببیند.

در زمان مأمون شورشهای چندی از سوی علویان روی داد و جهان اسلام را از کوفه، بصره ... فرا گرفت. این جنبش های انقلابی منجر به تهدید حکومت وقت می شد. فراگیر شدن قیامها و اظهار ناخشنودی علویان از حکومت، مأمون را واداشت که برای حل مشکل به خود علویان پناه برد از اینرو به با نفوذترین آنها یعنی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) متوسل شد. او در این راه بر اساس نقشه از قبل تعیین شده با زور ولایتعهدی خود را به امام واگذار کرد تا نظر علویان را جذب کند و از سویی دیگر پایگاه اجتماعی امام (ع) را خدشه دار سازد.

۳ ° حضور امام (ع) در ایران موجب رشد و گسترش تشیع گردید. مناظرات علمی ایشان با علمای ادیان و مذاهب مختلف، علاوه بر روشن ساختن توأمندی علمی و مذهبی آن حضرت، سبب فزونی فعالیت های شیعیان در خراسان شد. در کل می توان ذکر کرد که یکی از بخش های مهم زندگی، مدیریت آن حضرت (ع) بر جامعه زمان خود می باشد، چرا که هدف اصلی آنان برپایی حکومت اسلامی برای تحقق مبانی اسلام به منظور بهره مندی عدالت محورانه همه آحاد جامعه از زندگی معنوی و مادی در سایر احکام نورانی اسلام میباشد.

( منابع در دفتر ماهنامه موجود میباشد )